













# فصل ۱

## جایگاه رفیع امامان علیهم السلام و معرفت ایشان

درس اول: نقش پیامبران در ارائه طریق بندگی

### فایده نبوت و امامت

نحوه بندگی خدا، اگر بخواهد مورد قبول ذات مقدّسش قرار گیرد، باید از ناحیه خودش ارائه شود. ما عقلاً می‌توانیم به اینکه باید خدا و ربّ و مُنعم خود را بندگی کنیم، پی بریم، اما همین عقل نسبت به راه و طرز بندگی او حکم می‌کند که باید از خود خدا اخذ نماییم؛ به خصوص که می‌دانیم خداوند ما را به حال خود رها نکرده تا هر طور که می‌خواهیم به بندگی او بپردازیم، بلکه از جانب خویش رسولانی فرستاده تا آیین بندگی او را به ما بیاموزند و به این وسیله حجّت خود را بر ما تمام کرده است. بنابراین ما نمی‌توانیم هرگونه که دلمان بخواهد، او را عبادت کنیم.

اصولاً فایده نبوت و امامت برای بشر همین است که راه بندگی خدا

از مباحث حلقه اول روشن شد که معرفت، صنع خداست و وظیفه بندگان این است که پس از اعطای معرفت از جانب خدا، آن را بپذیرند و تسلیم آن شوند؛ آن‌گاه به پشتوانه آن معرفت و این تسلیم، اقدام به بندگی خدا نمایند.

اما نحوه بندگی خدای متعال صرفاً از طریق حجّت‌های او معرفی می‌گردد. از این رو پس از شناخت خدا، شناخت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام اهمّیت بسیار زیادی می‌یابد؛ تا آن‌جا که گوهر دینداری و تنها راه بندگی خدا را معرفت آن بزرگواران تشکیل می‌دهد. در این حلقه به تحلیل این مسأله مهم می‌پردازیم.

فَثَبَتَ الْأَمْزُونَ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْحَكِيمِ الْعَلِيمِ فِي خَلْقِهِ وَ  
 الْمُعْبَرُونَ عَنْهُ جَلًّا وَعَزًّا. وَ هُمُ الْأَنْبِيَاءُ علیهم السلام وَ صَفْوَتُهُ مِنْ  
 خَلْقِهِ؛ حُكَمَاءَ مُؤَدِّبِينَ بِالْحِكْمَةِ، مُبْعُوثِينَ بِهَا غَيْرَ مُشَارِكِينَ  
 لِلنَّاسِ عَلَى مُشَارَكَتِهِمْ لَهُمْ فِي الْخَلْقِ وَ التَّرْكِيبِ فِي شَيْءٍ  
 مِنْ أَحْوَالِهِمْ، مُؤَيَّدِينَ مِنْ عِنْدِ الْحَكِيمِ الْعَلِيمِ بِالْحِكْمَةِ<sup>۱</sup>.

وقتی برای ما وجود آفریدگارِ صانعی که از ما و همه مخلوقات  
 خود متعالی است (شبیبه به هیچ یک از مخلوقات نیست) ثابت شد  
 و (نیز روشن شد که) او حکیم و بلندمرتبه است به طوری که  
 مُحال است آفریدگانش او را مشاهده و لمس کنند تا اینکه  
 بی واسطه با او ارتباط داشته و او هم با ایشان بی واسطه در  
 ارتباط باشد و با هم بحث و گفتگو داشته باشند، (نیاز به) وجود  
 سفیرانی در میان مخلوقاتِ خدا اثبات می شود که از طرف او  
 برای مخلوقات و بندگانش سخن بگویند و مصالح و مفاسد  
 ایشان را به آنها یاد دهند و از آنچه سبب بقای ایشان و در  
 صورت ترک، باعث از بین رفتنشان می شود، آگاهشان کنند.

بنابراین وجود امر و نهی کنندگان از جانب خدای حکیم دانا در  
 میان خلق خود و سخنگویان از جانب او ثابت می شود. و اینها  
 عبارتند از پیامبران و برگزیدگان الهی از میان آفریدگانش که به  
 حکمت تربیت شده و با حکمت هم مبعوث شده اند. اینها با آنکه  
 در شکل و ترکیب خلقتِ خود شبیبه بقیه مردم هستند ولی با

را از انبیا و امامان علیهم السلام به طور صحیح یاد بگیرد و بارأی و سلیقه  
 شخصی خود در این مسیر قدم برندارد. انسان عاقل ارسال رُسل و بعث  
 انبیا را از طرف خدا پسندیده و ممدوح می داند. لذا وقتی با انبیا و اولیای  
 الهی برخورد می کند، دین حق را می شناسد و سعی می کند خود را با آن  
 تطبیق دهد.

وقتی یکی از منکران وجود خدا از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا خدا  
 (مطابق عقیده شما) نمی تواند خود را بر آفریدگانش آشکار کند تا او را  
 ببیند و بشناسد تا با یقین عبادت شود؟! ایشان فرمودند:

لَيْسَ لِلْمُحَالِ جَوَابٌ.

چیزی که (وقوعش) محال است، پاسخ ندارد!

دیدن خداوند به صورت مشاهده حسی، محال است و وقتی وقوع  
 چیزی محال باشد، دیگر اینکه خدا بر انجام آن قدرت دارد یا ندارد،  
 مطرح نمی شود و به همین جهت سؤال آن زندیق پاسخی ندارد. آن  
 شخص بلافاصله بعد از این پرسش که بی پاسخ ماند، سؤال می کند: فَمَنْ  
 أَيْنَ اثْبَتَ أَنْبِيَاءَ وَ رُسُلًا؟ امام علیه السلام در پاسخ می فرماید:

إِنَّا لَمَّا اثْبَتْنَا أَنَّ لَنَا خَالِقًا صَانِعًا مُتَعَالِيًا عَنَّا وَ عَنِ جَمِيعِ  
 مَا خَلَقَ، وَ كَانَ ذَلِكَ الصَّانِعَ حَكِيمًا مُتَعَالِيًا لَمْ يَجْزِ أَنْ يُشَاهِدَهُ  
 خَلْقُهُ وَ لَا يُلَامِسُوهُ فَيُبَاشِرُهُمْ وَ يُبَاشِرُوهُ وَ يُحَاجَّهُمْ وَ  
 يُحَاجُّوهُ، ثَبَتَ أَنَّ لَهُ سَفَرًا فِي خَلْقِهِ يُعْبَرُونَ عَنْهُ إِلَى خَلْقِهِ وَ  
 عِبَادِهِ وَ يَدُلُّونَهُمْ عَلَى مَصَالِحِهِمْ وَ مَنَافِعِهِمْ وَ مَا بِهِ بَقَاؤُهُمْ وَ  
 فِي تَرْكِهِ فَنَاؤُهُمْ.

۱ - احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۷۷ و ۷۸؛ اصول کافی، کتاب الحجّة، باب  
 الاضطرار إلى الحجّة، ح ۱. (متن بخش دوم حدیث مطابق نقل کافی است.)



فقط خدای متعال است که با هر کس بخواهد این گونه رابطه برقرار می‌کند و او را «سفیر» و «مُعَبِّر» خود در میان مردم قرار می‌دهد. پس راه چنین ارتباطی از طرف ما با خدای متعال بسته است و این خداست که با هر کس بخواهد، چنین ارتباطی را برقرار می‌سازد. خدای متعال نشانه‌هایی هم برای این ارتباط قرار می‌دهد تا هر کس بتواند تشخیص دهد اینچنین ارتباطی را خدا با چه کسانی برقرار کرده است. این نشانه‌ها همان معجزاتی است که به دست پیامبران و ائمه علیهم السلام ظاهر می‌شود.

لازمه داشتن چنین منصبی از طرف خداوند این است که آن انسان برگزیده به وسیله خالق خود تأیید شود و هیچ‌گاه از مسیر رضای الهی خارج نشود. زیرا شأن سفارت و مُعَبِّر بودن از جانب خدا، اقتضا می‌کند که سخن و قول او برای دیگران حجت باشد. زیرا اگر مردم احتمال خطا و اشتباه را درباره او بدهند، دیگر به هیچ سخنی که او از طرف خدا می‌گوید، اعتماد نمی‌کنند و این موجب نقض غرض الهی از ارسال رُسل و بعث انبیاست. بنابراین داشتن علم و حکمت الهی - که اشتباه در آن راه ندارد - و نیز برخوردار بودن از کمال «عصمت» - یعنی حفظ و صیانت الهی - لازمه دارا بودن عنوان «سفیر» و «مُعَبِّر» از جانب خداست.

#### معرفی راهنمایان الهی به وسیله خداوند

ویژگی‌هایی که برای برگزیدگان الهی بیان شد، چیزهایی نیستند که انسان بتواند با خواست و میل خود در کسی به وجود آورد و یا حتی کسانی را که چنین ویژگی‌هایی دارند، با عقل خود بشناسد. بنابراین هم ایجاد این ویژگی‌ها و هم شناخت آنها فقط باید به وسیله خود خداوند

دیگران متفاوت بوده، از جانب خداوند حکیم دانا، مؤید به حکمت هستند.

خداوند اگر می‌خواست، می‌توانست با همه مخلوقات خود بدون واسطه ارتباط برقرار کند. این برای او سخت تر نیست از اینکه با عده خاصی ارتباط مستقیم برقرار کند و از طریق آنها با دیگران سخن بگوید. اما در عمل چنین نکرده است و می‌بینیم که نوعاً افراد، ارتباط طرفینی با خداوند ندارند. البته هر کس می‌تواند با خدای خود سخن گوید و با او مناجات نماید و او هم سخن همه را می‌شنود و احتیاج به واسطه‌ای در اینجا نیست؛ اما اینکه انسانها از خواست خدا و رضا و سخط او آگاه شوند، چیزی نیست که برای نوع آنها بدون واسطه انجام شده باشد.<sup>۱</sup>

#### شأن سفارت و معبریّت از جانب خداوند

لازمه منزه بودن خدا از صفات مخلوقات، این است که هیچ‌یک از آنها نمی‌توانند مواجهه مستقیم با او داشته باشند و با او به گفتگو پردازند. چنین ارتباطی از جانب انسان با خدا برقرار نمی‌شود و این

۱ - این مطلب در غیر حوزه مستقلات عقلیه است و در مستقلات، نظیر «حُسن عدل» و «قُبْح ظلم» رضا و سخط الهی به حکم عقل برای همه عقلا روشن می‌شود و در این حوزه خدای متعال به صورت تکوینی با همه افراد عاقل ارتباط برقرار کرده و حجت را بر ایشان تمام کرده است. بنابراین در مستقلات عقلیه - مثل مواردی که حُسن یا قُبْح چیزی ذاتی آن است - شخص عاقل نیاز به مراجعه به رسول ظاهری ندارد بلکه از طریق عقل که رسول باطنی نامیده می‌شود، می‌داند که خدا از او چه خواسته و بندگی خدا به تبعیت از همین مستقل عقلی صورت می‌پذیرد.

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ. فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ. فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ. فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.<sup>۱</sup>

خدایا، خودت را به من بشناسان؛ که اگر خود را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا، رسول خود را به من بشناسان؛ که اگر رسول خود را به من نشناسانی، حجّت تو را نمی‌شناسم. خدایا، حجّتت را به من بشناسان؛ که اگر حجّت خود را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم.

این دعایی است که امام صادق علیه السلام برای خصوص زمان غیبت امام عصر علیه السلام تعلیم داده‌اند. مفاد آن این است که شناخت پیامبران الهی از طریق شناخت و معرفتی خدا صورت می‌گیرد و شناخت حجّت الهی نیز از طریق شناخت پیامبران. شناخت خود خدا احتیاج به وساطت غیر ندارد.

### معرفت خداوند به خودش و رسول به رسالتش

خدا به خودش شناخته می‌شود. اما رسول خدا به رسالتی که از طرف خدا دارد، شناخته می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

إِعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ، وَ الرَّسُولَ بِالرِّسَالَةِ.<sup>۲</sup>

خداوند را به خداوند، و رسول را به رسالت بشناسید.

انجام شود. یعنی هم خدا این خصوصیات را به هر کس که بخواهد، عطا می‌کند و هم معرفتی این افراد به وسیله خداوند انجام می‌پذیرد.

مثلاً تشخیص و ویژگی «عصمت» از عهده انسان عاقل خارج است. ما حداکثر می‌توانیم در یک حوزه بسیار محدودی که دین به ما تعلیم داده است، تشخیص دهیم که آن پیامبر یا امام، طبق آن عمل می‌کند یا خیر. ولی این، عصمت نیست. عصمت یعنی حفظ و صیانت الهی از هر گونه احتمال اشتباه و لغزش. این یک امر آشکار و نمایان نیست که قابل تشخیص حسی یا عقلی باشد. بنابراین تنها راه حصول اطمینان از وجود این ویژگی در برگزیدگان الهی، این است که خود خدا نشانه‌هایی را برای تشخیص این افراد در آنها قرار دهد؛ مانند معجزه که عبارت است از عمل خارق‌العاده‌ای که نشان دهنده قدرت الهی (نه بشری) در برگزیده خداست؛ قدرتی که تحصیل آن با قوای انسانی غیر ممکن است. پس از آنکه نبوت یک رسول برای انسان ثابت گردید، او صیای او هم به وسیله خودش از طرف خدا معرفتی می‌شوند. نکته مهم این است که ما در مقام تشخیص نباید به چیزهایی برخورد کنیم که با شأن سفارت و مُعَبَّریت از جانب خداوند ناسازگار باشد؛ که اگر چنین بود، معلوم می‌شود که آن شخص، مدعی دروغین مقام و منصب الهی است.

مثلاً برگزیدگان الهی باید انسانها را به سوی خدای واقعی دعوت کنند و خود نیز از معرفت و توحید صحیح بهره‌مند باشند. اگر در این زمینه خودشان محتاج دستگیری و تعلیم دیگر انسانها باشند، نمی‌توان به حرف و سخن ایشان اعتماد کرد. اینجاست که سرسخن حکیمانه امام صادق علیه السلام برای ما روشن می‌شود:

۱ - اصول کافی، کتاب الحجّة، باب فی الغیبة، ح ۵.

۲ - اصول کافی، کتاب التّوحید، باب أنّه لا یُعرف إلاّ به، ح ۱.

بنابراین اصل رسالت و نبوت پیامبر به وسیله خداوند و از طریق معرفی او ثابت می‌شود، سپس پذیرفتن رسالت آن رسول و حرکت در مسیری که او دعوت می‌کند، عملاً انسان را خداشناس‌تر و در پیشگاه مقدس الهی بنده‌تر می‌سازد.

رسالت رسول چیست؟ اینکه انسان را با خدای فطری‌اش آشنا کند و او را در مسیر شناخت عمیق‌تر او و بندگی بیشتر پیش ببرد. هر چند که انسان، خدا را ابتدائاً به واسطه پیامبران نمی‌شناسد، بلکه او را به خودش می‌شناسد، اما پیامبران هستند که انسان را در طریق خداشناسی حفظ می‌کنند و همه پیامشان دعوت به توحید و بندگی خداست.<sup>۱</sup> همین امر، بهترین راه شناخت پیامبران حقیقی و تشخیص آنها از مدعیان دروغین سفارت و نبوت است. بنابراین بزرگترین و مهمترین سند حقیقت پیامبر که شاهد راستگویی اوست، همانا ذات مقدس پروردگار می‌باشد که فرمود:

«قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ»<sup>۲</sup>.

(ای پیامبر) بگو: بزرگترین شاهد کیست؟ بگو: خداوند بین من و شما شاهد می‌باشد.

این از آن جهت است که سخنان و دستورات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم انسان را در مسیر خداشناسی به جلو سوق می‌دهد و بهترین راه فهمیدن حقیقت رسول، این است که انسان ببیند آیا دعوت او به سوی همان خدای فطری است که می‌شناسد و سخنانش تذکر نسبت به همان معروف فطری است یا خیر. همه انبیای الهی رسالتشان این بوده که بشر را برای معرفت و عبادت خدای متعال تربیت کنند و عمل کردن به تعالیم ایشان انسان را در این مسیر پیشرفت می‌دهد.

۱ - البته کسی که خداوند را مطابق آنچه انبیا آورده‌اند، بندگی کند، بر عمق معرفتش نسبت به خالقش افزوده می‌گردد.

۲ - انعام / ۱۹.